

منبع ضوابط

برای استفاده از آزادی ضوابطی لازم است تا در سایه آن شرافت شخصی، حیات اجتماعی بهره‌مندی از امکانات، حصول سعادت، امکان پذیر می‌شود و قوای او در جهت خیر قرار گیرد اما ضوابط و اصول برای محدود کردن از کجا استخراج گردد؟

در پاسخ یادآور می‌شویم که در بسیاری از جوامع، اصول و ضوابط را از خواسته‌های اجتماع و نظرات آنها استخراج می‌کنند، مثل جوامع سرمایه‌داری، برخی از جوامع اصول و ضوابط را از مکاتب و فلسفه‌های حاکم بر شئون زندگی استخراج می‌نمایند مثل جوامع که بر اساس قدرت احزاب، اداره می‌شوند و یا جوامع سوسیالیستی، کمونیستی و برای ما که تن به پذیرش مذهب داده و می‌خواهیم ضوابط مذهبی را بر همه شئون زندگی و از جمله تربیت، حاکم کنیم چاره‌ای نیست جز آن که مقررات اسلامی را در این زمینه‌ها رعایت کنیم خوشبختانه متون اسلامی، پر است از اینگونه دستورات و امر و نهی‌ها.

مورد محدودیت

اصل بر این است که طفل در انجام رفتارش، در اعمال نظرش آزاد باشد؛ محدودیت‌ها اموری عارضی هستند که در موارد ضرور مورد استفاده قرار می‌گیرند فی‌المثل طفل آزاد است بازی کند ولی مجاز نیست که شرف خود و خانواده را به بازی گیرد؛ او آزاد است که بدود، بجهد، حرکت و جنبش از خود بروز دهد ولی او هرگز نباید مجال بیابد تا در آن به خودکشی بپردازد، صدمه و جراحتی بر خود و دیگران وارد آورد، موجب لطمه و آزار و زیانی به دیگران شود.

شک نیست که والدین نخست باید، معین کنند چه رفتار، مطلوب و یا نامطلوب است چه امری روا یا ناروا است، این امور باید برای خودشان و کودک مشخص باشد نه مبهم و نه مشکوک، تا در منع‌ها و آزادگذااردن‌ها بلا تکلیف نباشند.



گزارش کوتاهی از وضع

گزارش زیر که وسیله دوفراز فضلی حوزه علمیه قم تهیه شده، گزارشی است در آلود، عبرت‌انگیز و مسئولیت‌زاکه مطالعه دقیق آنرا به همه خوانندگان عزیز توصیه می‌کنیم.

(مکتب اسلام)

شیعیان ترکیه

خطراتی که اسلام را عموماً و جامعه تشیع را خصوصاً در ترکیه تهدید می‌کند.

دست آوردها

ماه مبارک رمضان سال (۱۳۹۸ هـ ق) برای تبلیغات مذهبی سفری به کشور ترکیه داشتیم اینک بوسیله این نوشته نتیجه این مسافرت و اطلاعاتی را که در باره شیعیان ترکیه بدست آمده است در اختیار بزرگان، دوستان و تمام کسانی که در اینگونه موارد احساس مسئولیت می‌کنند و قدم مؤثری می‌توانند بردارند می‌گذاریم تا شاید برای آنان مفید و راه‌گشا باشد.

نخست در این مسافرت نظر بر این بود که در طول ماه مبارک رمضان در یک نقطه از ترکیه به تبلیغات بپردازیم ولی اوضاع ترکیه و سیر جریانات، ما را بر آن واداشت که به عنوان بررسی و مطالعه در اوضاع شیعیان ترکیه از جنبه‌های مختلف به اکثر شهرهای مهم شیعه‌نشین مانند آنکارا، استانبول، ازمیر، کارس، برویم و با اکثر شیعیان این شهرها از نزدیک برخورد و تماس برداریم داشته و جلسات دوستانه برقرار کنیم بحمدالله این برنامه با موفقیت انجام گرفت و دست آوردهای فراوانی نیز در برداشت زیر این برنامه علاوه بر جنبه‌های تبلیغی و تعلیمی اولاً، شیعیان ترکیه را با شیعیان ایران مخصوصاً با روحانیت و حوزه علمی قم آشنا و مربوط می‌ساخت.

ثانیاً: برای آنان مایه دلگرمی و پشتوانه روحی بود که روحانیت ایران و حوزه علمیه قم بدون کوچکترین توجه مادی یادی از آنان می‌کند و در فکر آنها است و به نیازمندی‌هایشان می‌رسد.

ثالثاً در این مسافرت علاوه بر جلسات دسته‌جمعی گفتگوهای جالبی با جوانان چند کرا بعمل آمد که شاید بزودی بصورت کتابی انتشار یابد.

رابعاً در این سیر و سفر اوضاع و نیازمندیهای شیعیان ترکیه بررسی گردید و حتی در این مورد دقت بیشتری بعمل آمد و اینک نتیجه آن بصورت گزارش کوتاهی در اختیار شما قرار می‌گیرد تا شاید مورد استفاده عموم قرار گیرد.

* * *

۱- در ترکیه پیرمردان شیعه، که کم و بیش با اسلام آشنائی دارند و با حب (علی) و خاندان عصمت خو گرفته‌اند تدریجاً ازین می‌روند و جوانان نشان نیز در اثر نداشتن رهبر و تبلیغات دینی و انقطاع کلی از کتب مذهبی که در اثر تغییر خط بوجود آمده است به الحاد و کمونیستی گرائیده‌اند از نماز و روزه و دیگر برنامه‌های دینی کمتر خبری هست و با وضعی که در آنجا دیده می‌شود اگر ادامه پیدا کند و توجهی به آنان نشود به آسانی می‌توان پیش‌بینی نمود که با مرور زمان درخت پرثمر شیعه در آنجا خشک گردد و ملتی بنام شیعه در ترکیه وجود نداشته باشد!

۲- کمونیسم در چهره‌های مختلف در ترکیه رواج وسیعی یافته است. و عده‌ای از جوانان گرایش عجیبی بآن پیدا نموده‌اند که در این راه تا سرحد ترور و کشتار، پیش می‌روند ولی اسف‌انگیزتر اینکه این وضع رقت‌بار در میان جوانان شیعه پدید آورده است و آنان در اثر سرخوردگیها و محرومیتها و بیعت نداشتن رهبر و تبلیغات صحیح و حساب شده در این میدان خطر از همگان پیش ناخته‌اند بطوریکه اکثر کشت و کشتار بوسیله جوان شیعه بوجود می‌آید و آنان به جان همدیگر افتاده و علناً برادر کشی برآوردخته‌اند انسان که به مراکز شیعه نشین وارد می‌شود بیش از نقاط دیگر احساس خطر می‌کند.

۳- تبلیغات کمونیستی در ترکیه بطوری آزاد و وسیع و حساب شده می‌باشد که از شهرهای بزرگ و محیط دانشگاهها با فزاینده‌تر نهاد و بیه شهرهای کوچک و محیط روستاها نیز راه یافته است که ما خود به بعضی از دهات که ماشین رونیس و از گاری استفاده می‌شود رفتیم و در آنجا در دست بچه‌های ۱۴-۱۵ ساله کتابها و اعلامیه‌های مختلف کمونیستی مشاهده نمودیم و برای اینکه اشتباه نکرده باشیم این کتابها را خواندیم ولی تأسف اینجاست که در برابر این همه کتابهای مسموم و تبلیغات ضد دینی حتی يك كتاب مذهبی بدست آنها نمی‌رسد و سخن صحیح و آموزنده‌ای از مذهب بگوشانشان نمی‌خورد و این تبلیغات کمونیستی بطوری وسیع و دامنه‌دار است که حتی دانشجویان ایرانی را هم بمجرد اینکه به ترکیه می‌روند در کام خود فرومی‌کشد مگر عده‌ای را که از ایمان قوی و عقیده محکم برخوردارند.

۴- در ترکیه مساجد و تشکیلات تبلیغی مذاهب چهارگانه اهل تسنن بسیار مجهز

(۳۴۶)

و حساب شده می‌باشد ولی شیعیان و علویین با اینکه از اکثریت نسبی برخوردارند مانند گله بی‌چوبان بسیار متفرق و پراکنده می‌باشند و در اثر همان پراکندگی است که يك ملت اقلیت جنبی و غیر رسمی و مطرود از اجتماع محسوب شده و همیشه در زیر سلطه و فشار حکومتها قرار گرفته‌اند و از اختیارات سیاسی قاعده‌ی محروم می‌باشند.

۵- در استانبول: نخست از ایران مستقیماً به استانبول رفتیم استانبول مهمترین و بزرگترین شهر ترکیه می‌باشد که تقریباً در انتهای طول ترکیه نزدیک مرز بلغارستان قرار گرفته سمتی از آن آسیا و سمت بیشترش جزء اروپا می‌باشد در این شهر عظیم ترکیه با وجود صدها مسجد بسیار معظم و تاریخی شگفت‌انگیز شیعیان مسجد نسبتاً کوچکی دارند بنام مسجد ایرانیان نزدیک بازار در وسط میدانی واقع گردیده و در دور دیوار داخلی این مسجد اسم (الله) و نام چهارده معصوم نقش بسته است و بعد از اسم پیامبر نام ابوبکر، عمر، و عثمان، نیز دیده می‌شود و سالها است که از ایران متناوباً يك نفر مبلغ به آنجا اعزام می‌گردد و فعلاً نیز یکی از فضلاء حوزه علمیه قم (۱) در آنجا مشغول فعالیت است و فعالیتش نیز در خور تحسین و تقدیر می‌باشد. شیعیان استانبول در اثر این مسجد و مبلغینی که از ایران به آنجا اعزام می‌شوند نسبتاً تشکیلی دارند ولی غیب و نقص این مرکز شیعی نیز در اینست که: مدیریت آن بدست عده‌ای از ایرانیان قدیمی و وابسته افتاده که از اسلام هیچگونه خبری ندارند و حتی مانع فعالیت کامل امام مسجد تیزی می‌شوند ...!

۶- در **ازمیر**: از استانبول به ازمیر رفتیم - ازمیر - نیز یکی از شهرهای مهم ترکیه و شاید سومین شهر آن می‌باشد و در انتهای طول ترکیه در کنار دریای اژه قرار گرفته است شیعیان ازمیر قبلاً مسجد و محل تجمعی نداشتند ولی اخیراً بساختن مسجدی شروع کرده‌اند و گوشه‌ای از آن را موقتاً برای انجام مراسم در ماه مبارک رمضان آماده کرده بودند ولی در اتمام ساختمان این مسجد با مشکلات فراوان اقتصادی روبرو هستند و نیاز به کمک همکاری تمام شیعیان مخصوصاً شیعیان ایران دارند زیرا شیعیان این شهر ملت فقیر و کارگری بیش نیستند.

۷- در **آنکارا**: از ازمیر به آنکارا رفتیم و آنکارا بعد از استانبول مهمترین شهر ترکیه و پایتخت آن می‌باشد ولی با این حال شیعیان آنجا مسجد و پایگاهی ندارند در صورتی که نبودن يك مرکز شیعی در پایتخت ترکیه بسیار شگفت‌انگیز می‌باشد و در خانه‌ها و منازل

(۱) دانشمند محترم جناب آقای علی اکبر مهدی پور از فضلاء حوزه علمیه قم است و قریب سه سال است که از طرف مراجع بزرگ قم در استانبول فعالیت‌های شایسته و ارزنده‌ای دارد.

جمع شدن نیز با اشکالات فراوان سیاسی برخورد می کند اینست که شیعیان آنکارا بسیار متفرق و پراکنده می باشند.

و اخیراً بنفک ساختن مسجدی افتاده اند که زمین آن خریداری شده و اجازه ساختمان آن نیز گرفته شده است ولی به کمکهای مالی و فکری نیازمندند.

۸- در کارس: از آنکارا بسوی کارس برگشتیم کارس مرکز شیعیان ترکیه و مرکز مناطق مرزی ایران و شوروی می باشد و در نزدیکی مرز شوروی قرار گرفته است شیعیان در کارس دو مسجد دارند یکی از مسجدها کتابخانه و مدرسی هم دارد و یک نفر اهل علم نیز در آنجا هست که در تم و نجف درس خوانده و از نظریات عربی و مقدمات بسیار قوی است و می تواند آنجا را بصورت یک حوزه کوچک علمی شیعی در ترکیه در سطح مقدمات اداره کند، و طلبه های خوبی تربیت نماید، و برای تکمیل تحصیلاتشان به حوزه علمیه قم و نجف اعزام یابد، ولی با وجود این امکانات به علت نداشتن هزینه لازم آنجا تعطیل شده، و بعضی از بچه های شیعی که به تحصیل علوم دینی علاقمندند از ۱۳-۱۴ سالگی بم قم پناه می برند، و از کتاب اول فارسی شروع به تحصیل می کنند.

* * *

پیشنهادها:

با در نظر گرفتن مطالب و گزارشات فوق یک فعالیت حساب شده تبلیغی در ترکیه ضروری بنظر می رسد تا بدان وسیله شیعیان آنجا از هر آکنده گی و وضع اسفناک کنونی رهایی جسته و بیک تحول دینی و اخلاقی نائل آیند و بصورت یک ملت مؤمن و مستقل و قوی و تشکل یافته اسلامی بحیات خود ادامه داده و پیش بروند و آنچه بادر نظر گرفتن آنجا در این مورد پیشنهاد می شود بدین قرار است:

۱- در ترکیه حداقل آماری که بگوش می خورد - چندین میلیون علوی زندگی می کنند که در اثر نداشتن رهبر، مسیر اسلام را کاملاً گم کرده اند و بصورت یک ملت غیر اسلامی در آمده اند که اگر آنان با شیعیان پیوندی داشته باشند اکثریت نسبی جمعیت ترکیه را تشکیل می دهند، لازم است در این مورد فعالیت شود و میان علویین و شیعیان ارتباط و پیوندی بوجود آید، زیرا اولاً از این پیوند اکثریت بوجود می آید و از اکثریت نیز استفاده های سیاسی می شود و ثانیاً در اثر این ارتباط، زمینه تبلیغ آنان فراهم می گردد ولی باید این فعالیتها از راه مخصوص و حساب شده ای انجام گیرد در غیر اینصورت امکان پذیر نمی باشد.

۲- باید با برخی از بزرگان و روشنفکران شیعه که در مقامات بالا هستند ارتباط برقرار گردد تا زمینه را برای فعالیتها فراهم کنند و اشکالاتی را که احیاناً پیش می آید

برطرف سازند.

۳- برخی از کتابهای سازنده و آموزنده مذهبی اخلاقی و اجتماعی باید ترجمه و در سطح جوانان پخش گردد مخصوصاً کتابهایی در نظام عادلانه اقتصاد اسلامی، و رد کمونیستی. که این کتابها تا حدی جای کتابهای مسموم ضد مذهبی را پر کند و جوانان را با حقایق اسلام که کاملاً از آن بیگانه هستند آشنا سازد.

۴- لازم است در ترکیه مخصوصاً در کارس که مرکز شیعیان ترکیه می باشد یک حوزه کوچک علمی تشکیل یابد که بچه ها و جوانان علاقمند به تحصیلات دینی، فارسی و مقدمات عربی را در آنجا بخوانند و برای آمادگی بیشتر و تکمیل تحصیلاتشان به حوزه های خارج اعزام گردند انتظار ما از حوزه علمیه قم و مرجعیت شیعه آنست که در این زمینه هر چه زودتر اقدامات لازم را بعمل آورند.

بقیه: تطویر و وضع

سیس به تدریج، کارشناسان نظامی شوروی به صحنه آمدند که تعداد آنان بر اساس بررسی های اخیر، بین ۲۰۰ و ۶۰۰ نفر در نوسان بود و در هفته های اول بعد از کودتای « نورمحمد ترکی » به بیش از ۲۰۰۰ کارشناس رسید.

بدین ترتیب اتحاد شوروی توانست قدم به قدم در کشور افغانستان که جمعیت آن صد درصد مسلمانند، نفوذ پیدا کند بطوری که رهبران کودتا علناً می گویند: « حزب آنان یعنی « حزب دموکراتیک خلق »، طرفدار مارکسیسم است و دوستی ریشه دار خود را با « مسکو » علناً اظهار می کنند و از طرف دیگر ادعا می کنند که طرفدار سیاست بی طرفی بوده جز گروه کشورهای غیر متعهد هستند، گروهی که « کوبا » نیز جزو آنهاست.

یکی از نخستین کارهایی که « نورمحمد ترکی » رئیس فعلی کشور افغانستان پس از کودتا کرد، دیدار از مسکو بود که طی آن سه موافقتنامه با شوروی در زمینه « همکاری و دوستی »! دو کشور امضاء کرد!

اتحاد شوروی زمانی توانست در افغانستان به صورتی که گذشت، نفوذ پیدا کند در همان هنگام بلوک غرب تصمیم به عقب نشینی های جزئی از مناطق نفوذ خود در جنوب و جنوب شرقی آسیا گرفت. در این مرحله، افغانستان از هیچ یک از کشورهای اسلامی که در این منطقه واقع شده اند و روز بروز ثروتمندتر می شوند، هیچ کمک حقیقی دریافت نکرد.

ادامه دارد